

تحلیل اجتماعی حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا

زهرا پازوکی نژاد^۱

چکیده:

هدف از تحقیق حاضر، بررسی میزان حمایت دانشجویان از مقابله با تغییر آب و هوا و تأثیر عوامل اجتماعی بر آن است. پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. در این تحقیق، ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند، به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS پردازش شده و با بهره‌گیری از آمارهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا در حد متوسط رو به بالا بود. همچنین، دانشجویان نگرشی مثبتی نسبت به محیط‌زیست داشتند، اما سطح شناخت آنها نسبت به تغییر آب و هوا پایین بود. علاوه بر این، شناخت خوبی از منابع اطلاعاتی تغییر آب و هوا و اطلاع‌رسانی آنها در این زمینه داشته و به لحاظ شخصی، خود را فردی تأثیرگذار در مقابله با اثرات زیان‌بار تغییر آب و هوا در ایران تصور کرده بودند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که نگرش محیط‌زیستی بیشترین تأثیر را بر حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا داشته است. با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (Ajzen, 1991) اهمیت اثربخشی شخصی، نقش دانش محیط‌زیستی و منابع اطلاعاتی برای بهبود نقش آنها در حمایت از سیاست‌های مقابله تبیین شد و پیشنهادهایی نیز در پایان مقاله ارائه شد.

کلید واژه‌ها: تغییرات آب و هوا، تغییر، سیاست‌های مقابله، اثر بخشی، دانشجویان، دانشگاه مازندران.

۱- مقدمه

پیامدهای مهم و بلندمدت عملکردهای انسانی بر روی محیط‌زیست امروزه با سرعت بیشتری در حال آشکار شدن است، به طوری که شاید دیگر کسی نمی‌تواند ادعا کند که مسائلی مانند گرم شدن جهان، تغییرات آب و هوایی، تخریب اکوسیستم‌های بکر و دست‌نخورده مختص کشورهای توسعه‌یافته است (Salehi et al, 2012:118). بیش از ۲۰ سال از گردهمایی ۱۵۴ کشور دنیا در اجلاس ریو و امضای معاهده‌ی تغییر آب و هوای سازمان ملل و نیز بیش از ۱۵ سال تدوین برنامه‌ی کاهش کربن در پروتکل کیوتو می‌گذرد (Lynn, 2014:1) و این موضوع سبب شده است تا مسأله‌ی تغییرات آب و هوا مورد اجماع دانشمندان واقع شود؛ به طوری که John Urry (2011)، در این زمینه می‌نویسد: "کاهش تولید کربن برای

^۱ پژوهشگر پس‌داکتر - گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی - دانشگاه مازندران، ایران. zahrapazoki1464@gmail.com

محدود کردن گسترش قطعی اثرات زیان‌بار تغییر آب و هوا از مدت‌ها قبل ضرورت خود را نشان داده است". مسأله‌ی تغییرات آب و هوا از ابعاد مختلف قابل‌بررسی است. از منظر علوم اجتماعی، تغییر آب و هوا به‌عنوان یک مخاطره‌ی پیچیده، به نگرش و نمایانی اجتماعی وابسته است و به همین دلیل، می‌توان آن را مانند یک پدیده‌ی اجتماعی تعریف کرد (Reser and Swim, 2010: 3) در بحث از راهکارهای مقابله با تغییر آب و هوا، این افراد جامعه هستند که باید دست به اقدام بزنند؛ لذا برای درک و آگاهی از نحوه‌ی انطباق و سازگاری با تغییر جامعه‌ای در مواجهه و مقابله با آن، منابعی را باید اختصاص داد (Malone, 2002: 9). به‌طور کلی، امروزه مسأله‌ی تغییر آب و هوا به یکی از عوامل مسلط در سیاست‌های توسعه و محیط‌زیست تبدیل شده است. همان‌طور که اشاره شد به‌منظور مقابله با این پدیده، نشست‌ها و معاهدات مهمی در سطح بین‌الملل شکل گرفت. از جمله معاهده‌ی کیوتو و به دنبال آن، معاهده‌ی تغییر آب و هوای سازمان ملل که از سیاست‌های جدی مقابله با تغییر آب و هوا در سطح بین‌الملل بود و هدف نهایی آن عبارت بود از تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که از خطرات انسان‌ساخت آن، پیشگیری کند. بر اساس این معاهده، اعضای موظف هستند تا از روند جلوگیری تولید گازهای گلخانه‌ای، گزارش ملی ارائه دهند و مسأله‌ی تغییر آب و هوا را در سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی لحاظ کنند (Nabi Bidhendi et al, 2008: 50). ایران نیز از جمله امضاکنندگان این معاهده است که در سال ۱۳۷۳ درصد تولید کربن در ایران به میزان ۳/۵ درصد بوده و در سال‌های اخیر به ۶ درصد رسیده است. با توجه به تصویب آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر آب و هوا و پروتکل کیوتو در مردادماه ۱۳۸۸ توسط هیأت وزیران و تشکیل کارگروه ملی تغییر آب و هوا و دبیرخانه مربوطه در سازمان حفاظت محیط‌زیست، می‌بایست در سال‌های آتی، وضعیت این شاخص برای ایران بهتر شود (Ahadi, 2011: 1-2). همان‌طور که قبلاً مطرح شد تحقق سیاست‌های دولت برای مقابله با تغییرات آب و هوا از جمله، نیازمند حمایت آن از سوی مردم است؛ البته برای این که این سیاست‌ها از حمایت اجتماعی لازم برخوردار باشد، یا به‌عبارت‌دیگر، اجرای موفق این سیاست‌ها مستلزم این است که آشنایی و آگاهی افراد از چنین سیاست‌ها و همچنین تمایل افراد به تقبل هزینه‌های اساسی مقابله با تغییر آب و هوا (نظیر در پیش گرفتن رفتارهای مصرفی بهینه و پایبندی به سبک زندگی پایدار) فزونی یابد.

امروزه، صاحب‌نظران مطالعات محیط‌زیست و سیاست‌گذاران معتقدند که سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا، تا حدود زیادی به آگاهی و کنش اجتماعی افراد در جامعه وابسته است. بنابراین، به‌موازات اقدامات فنی و تکنولوژیکی، برخورداری از حمایت اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیتند. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها و پس از پذیرش پروتکل کیوتو، سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا را تدوین نموده است و در سال‌های اخیر، حرکت خود را به‌سوی یک جامعه‌ی کم‌کربن تسریع کرده است.

در عصر مخاطرات، دانش و آگاهی می‌تواند از دغدغه‌ها بکاهد و در دوره‌ی‌های اجتماعی، افراد با اطمینان خاطر بتوانند تصمیم‌گیری نمایند. نظام‌های دانش‌بنیان مانند مراکز آموزش عالی می‌توانند یادگیری و افزایش آگاهی درباره مسائل محیط‌زیست، تغییر شیوه‌ی زندگی در جهت پایدارسازی و انگیزه بخشی به افراد، برای عمل‌گرایی در جهت حل چالش‌ها عمل نمایند و دانشجویان را در به‌کارگیری و نهادینه‌سازی مفهوم پایدارسازی در شیوه‌ی زندگی خود و اطرافیان توانمند سازند (Jones, 2007). آموزش عالی پایدار، در پاسخ به فراخوان دانشگاه‌ها برای هدایت جامعه به‌سوی آینده‌ی پایدار ظهور یافت و به‌عنوان یک حوزه‌ی تخصصی متمایز اما بین‌رشته‌ای، در علم پایداری و آموزش برای توسعه‌ی پایدار موردتوجه

قرار گرفت (Robinson et al, 2011: 19). در حقیقت، مشکلات محیط زیستی و فقر سبب شد تا آموزش عالی به‌عنوان یک نهاد مسؤول و پایه در توسعه‌ی پایدار ایفای نقش کند. آموزش عالی بر اساس کارکردهای خود، یعنی تقویت دانش، تربیت رهبران آموزش‌دیده و ایجاد تعهد و پیشرفت اجتماعی می‌بایست به دنبال فراهم نمودن جایگاه اخلاقی و نوآوری در امر پایداری باشد. از این‌رو، دانشگاه‌ها منبع تغییر ساختارها، خلق عملکردهای نوین و پایدار و نهادینه‌سازی این عملکردها در ساختارها به‌سوی پایداری هستند. (Ibid: 2-3). از آنجایی که علم، بخشی از فرهنگ است که می‌تواند به‌صورت نمادین در جامعه توسعه پیدا کند و نیز به دلیل ضرورت برخورداری از دانش و آگاهی برای مقابله با اثرات زیان‌بار تغییر آب و هوا، لازم است تا دانشجویان (به‌عنوان سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان آتی) از صلاحیت‌های لازم برای سازگار ساختن خود با چالش‌های پیچیده در محیط‌زیست برخوردار شوند. در این راستا، اول اینکه، لازم است تا دانشجویان پایداری محیط زیستی را بشناسند (دانش)؛ دوم اینکه، دانشجویان باید از مهارت‌های لازم برای انجام کنش‌های پایدار برخوردار شوند (مهارت‌ها) و سوم اینکه، دانشجویان باید ویژگی‌های شخصی و عاطفی لازم برای عملکردهای پایدار در برابر محیط‌زیست را داشته باشند (ارزش‌ها/ نگرش‌ها) (Rickermann, 2012: 129). بر این اساس، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات اساسی ذیل به‌عنوان سؤالات تحقیق است.

۱- میزان حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا چیست؟

۲- چه عوامل اجتماعی بر حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا مؤثرند؟

۲- مبانی نظری

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، اجرای موفق سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا، منوط به آشنایی و آگاهی از چنین سیاست‌هایی و تمایل افراد به تقبل هزینه‌های اساسی مقابله با تغییر آب و هوا است که این امر، عامل کلیدی در موفقیت یا شکست سیاست‌های ملی مقابله با این پدیده است. Pazokinejad (2012) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شناخت دانشجویان نسبت به تغییر آب و هوا دریافت که شناخت دانشجویان از این پدیده در سطح پایین است. Spellman et al (2003) نیز در بررسی خود با عنوان ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان انگلیسی از تغییر جهانی آب و هوا نیز دریافتند که دانشجویان شناخت بیشتری نسبت به اثرات گازهای گلخانه‌ای داشتند تا نازک شدن لایه‌ی ازن (به دلیل ارتباط ملموس‌تر آن با سلامتی). از سوی دیگر، نتایج تحقیق مذکور نشان داد که دانش کاربردی دانشجویان درباره‌ی تغییر جهانی آب و هوا از دانش نظری آنان بالاتر بود. همچنین، Negatu et al (2014) در اتیوپی دریافتند دانشجویان علوم پزشکی از وقوع تغییر آب و هوا اطلاع داشتند، اما ۸۷ درصد آن‌ها از شناخت دقیقی از آن و تأثیراتش برخوردار نبودند. (et al (2014) Wachholz نیز در بررسی خود در بین دانشجویان دانشگاه به این نتیجه دست یافتند که آن‌ها تصورات نادرستی درباره علل و پیامدهای تغییر آب و هوا داشتند.

دستیابی به نگرش‌های محیط زیستی و شناخت بینش‌های افراد، لازمه‌ی تحقیقات است. در حوزه‌ی جامعه‌شناسی محیط‌زیست نظریات مختلفی در مورد این‌که چرا و چگونه مردم رفتارهایشان را در رابطه با محیط‌زیست تغییر خواهند داد، وجود دارد. پارادایم نوین محیط زیستی یکی از این نظریه‌ها است که نخستین بار توسط "دانلپ و ون لایر" مطرح

شد. به زعم برخی از محققان، این پارادایم در وهله اول راهی برای تعیین نگرش ما نسبت به محیط زیست بوده و در مرحله بعدی محقق را در موقعیتی قرار می دهد که روابطش را با رفتار معنی دار محیط زیست ردیابی کند (Salehi, 2010: 198-201). بنابراین، نگرش ها، ارزش ها و باورها ذهنیت فرد را نسبت به تغییر عملکردها متأثر می کند. Pazokinejad (2012) در بررسی خود به این نتیجه رسید که نگرش محیط زیستی مثبت با گرایش نسبت به شناخت تغییر آب و هوا رابطه ای معنی دار دارد. (Rideout (2014) نیز در پیمایش خود در ایالات متحده، رابطه ای مثبت و معنی داری را بین نگرش محیط زیستی و شناخت تغییر آب و هوا در بین دانشجویان یافت.

با وجود این که آگاهی بیشتر نسبت به مباحث محیط زیست فرد را به سمت اقدامات داوطلبانه ای سوق می دهد (که بیشتر اثرات پیشگیرانه دارد)، اما به نظر (Kellstedt et al (2008) اثربخشی شخصی برای تأثیر گذاشتن بر پیامدهای تغییر آب و هوا، واداشتن دیگران به داشتن رفتاری که با کاهش منابع انسانی تغییر آب و هوا توأم باشد نیز حائز اهمیت است. Pazokinejad (2012) دریافت که بین اثربخشی شخصی و شناخت تغییر آب و هوا رابطه ای مثبت و متوسطی (۰/۴۱) وجود داشته است. هم چنین (Pazokinejad and Salehi (2013) نیز رابطه ای متوسط رو به بالایی بین اثربخشی شخصی و دانش تغییر آب و هوا (۰/۴۷) یافتند.

مسائلی مانند تغییر آب و هوا و گرم شدن زمین در سطح گسترده ای به عنوان خطرات پیچیده، جهانی و بلندمدت هستند و مردم برای کسب اطلاعات، آگاهی ها، تصورات صحیح و نشانه هایی که امکان تفسیر چنین فرایندهایی را فراهم می کنند، به نظام های کارشناسی ملی و نظام های کارشناسی جهانی وابسته می شوند، اما ارائه ای اطلاعات قابل اعتماد در ایجاد دغدغه ای شهروندان در قبال محیط زیست نیز مهم است؛ به طوری که نگرش، ارزش ها و مسئولیت پذیری افراد در قبال محیط زیست تحت تأثیر طرز تلقی آن ها از روابط اعتماد آمیز آن دسته از سازمان هایی قرار دارد که مسئولیت رسمی در قبال محیط زیست دارند (Salehi and Pazokinejad, 2013) منابع قابل اعتماد از طبقات مختلف اجتماعی تشکیل می شوند، لیکن این افراد معمولاً کسانی هستند که نقش های اداری دارند نظیر: سیاستمداران، رؤسای دستگاه های دولتی، دانشمندان و دیگر متخصصان. همچنین، نقش رسانه های خبری به عنوان عامل آموزش محیط زیستی و تدوینگر دستور کار هم، مهم و نیز پیچیده است. این که مسائل محیط زیستی از وضعیت مسأله بودن به مباحث و دغدغه های سیاستی تبدیل می شوند، عینیت رسانه ای، مسأله ای مهمی است (Negatu et al (2014) در اتیوپی رسانه را مهم ترین منبع اطلاعاتی دانشجویان درباره ی تغییر آب و هوا یافتند. Pazokinejad (2012) و Salehi and Pazokinejad (2013) نیز دریافتند که شهروندان دانش علمی خود را از منابعی مانند رسانه ها و دولت دریافت می کنند و در اشاعه ی دانش علمی از جمله تغییر آب و هوا، این نهادها تأثیرگذار بودند. نکته ی آخر این که، در ادبیات تغییر آب و هوا مشاهده می شود که نگرش نسبت به آن برحسب جنسیت متفاوت است. (Wachholz et al (2014) و Negatu et al (2014) دریافتند زنان آگاهی و دغدغه ی بیشتری نسبت به تغییر آب و هوا دارند در حالی که در بررسی Pazokinejad (2012) و Salehi and Pazokinejad (2013) شناخت تغییر آب و هوا برحسب جنسیت تفاوت معنی داری نداشت.

- با توجه به مبانی نظری و تجربی تحقیق که در قسمت پیشین مطرح شد، فرضیه‌های تحقیق حاضر عبارتند از:
- فرضیه ۱: دانش تغییر آب و هوا می‌تواند بر میزان حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا تأثیر گذارد.
- فرضیه ۲: نگرش محیط زیستی می‌تواند بر میزان حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا تأثیر داشته باشد.
- فرضیه ۳: احساس اثربخشی بر میزان حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا تأثیر دارد.
- فرضیه ۴: دسترسی به منابع اطلاعاتی بر میزان حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا تأثیر دارد.
- فرضیه ۵: حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا بر حسب جنسیت متفاوت است.

۴- روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از رایج‌ترین روش تحقیق در علوم اجتماعی، یعنی روش پیمایش استفاده شده است. برای تعیین نمونه، از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است و جامعه‌ی آماری آن را تعداد ۵۰۳۱۳ از دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه مازندران تشکیل داده‌اند که تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند و اطلاعات لازم، با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد. این سؤالات بر اساس نظرات ۲ نفر از صاحب‌نظران حوزه‌ی محیط‌زیست مورد بازبینی قرار گرفت تا اعتبار آن مورد تأیید صوری قرار گرفت. برای به دست آوردن میزان پایایی، با انجام یک مطالعه راهنما، با تکمیل ۵۰ پرسشنامه (از افراد خارج از جامعه آماری)، ضریب آلفا کرونباخ متغیرها تعیین شد. داده‌های تحقیق حاضر در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۹۲ جمع‌آوری و سپس در برنامه نرم‌افزاری SPSS مورد پردازش قرار گرفت و با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل واقع شد.

۵- تعریف مفاهیم

الف) حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا: بر اساس تعریف (Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)، فرایند طراحی، اجرا و ارزیابی راهبردها، سیاست‌ها و شاخص‌هایی برای درک مخاطرات، کاهش آن و بهبود روند مقابله در برابر آن‌ها با هدف حفظ امنیت جسمی و روانی، رفاه انسان‌ها و ارتقا سطح زندگی توأم با حفظ تعادل اکوسیستم را سیاست‌های مقابله می‌نامند. از لحاظ عملیاتی، حمایت از سیاست‌های مقابله با ۷ سؤال اندازه‌گیری شده است. سؤالات به‌صورت گویه تنظیم شده و گویه‌ها نیز بر روی مقیاسی ۵ درجه‌ای و در سطح ترتیبی طبقه‌بندی شده‌اند. بنابراین حمایت از سیاست‌های مقابله بر روی مقیاسی قرار می‌گیرد که حداقل نمره‌ی آن ۷ و حداکثر نمره‌ی آن ۳۵ است. برای سنجش روایی گویه‌ها از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۷ بود (جدول شماره ۱).

ب) دانش تغییر آب و هوا: دانش، شناخت و سواد لازم درباره‌ی مفاهیم کلیدی تغییرات آب و هوا و آشنایی با مهارت‌های لازم برای مقابله با آن‌ها است (Salehi and Pazokinejad, 2013). دانش تغییر آب و هوا که در قالب گویه مورد سؤال قرار گرفتند، بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در سطح ترتیبی اندازه‌گیری شده‌اند که با توجه به تعداد گویه‌ها (۵ گویه)

حداقل نمره ۵ و حداکثر نمره آن ۲۵ است. یعنی نمره‌ی هر فرد در دانش تغییر آب و هوا بین ۵ تا ۲۵ نوسان دارد. میزان روایی گویه‌های دانش تغییر آب و هوا نیز با استفاده از آزمون آلفا کرونباخ، ۰/۷۲ برآورد شد (جدول شماره ۲).

ج) اثربخشی شخصی: توانایی پاسخگو برای تأثیر گذاشتن بر پیامدهای تغییر اقلیم، واداشتن دیگران به داشتن رفتاری است که با کاهش منابع انسانی تغییر اقلیم توأم باشد (Kellstedt et al, 2008). به منظور تعریف عملیاتی این متغیر از ۵ سؤال استفاده شده توسط Kellstedt et al (2008) بهره گرفته شد. این سؤالات در یک مقیاس ۵ قسمتی (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) با سطح سنجش ترتیبی گنجانده شدند. حداکثر نمره پاسخگویان ۲۵ و حداقل نمره ۵ بود. برای سنجش روایی این متغیر نیز از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۱ برآورد شد. (جدول شماره ۳).

د) نگرش محیط زیستی: مجموعه‌ای از احساسات، تمایلات، عقاید و قضاوت‌های یک فرد نسبت به یک پدیده یا رخداد در زندگی است (Imam Gholi, 2010: 77) از نظر عملیاتی نیز نگرش محیط زیستی از نسخه‌ی جدید پارادایم نوین محیط زیستی که دارای ۱۵ گویه بود استفاده شد. این گویه‌ها در قالب طیف لیکرت و با دامنه‌ی بین کاملاً موافقم (نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (نمره ۱) در سطح سنجش ترتیبی تنظیم شد. بنابراین، حداقل نمره‌ی پاسخگو ۱۵ و حداکثر نمره ۷۵ است. میزان آلفای کرونباخ گویه‌های نگرش نوین محیط زیستی در این تحقیق ۰/۷۳ است.

ذ) منابع اطلاعاتی: به نظر Kellstedt et al (2008) منابع اطلاعاتی مجموعه‌ای از نهادهای دولتی و غیردولتی‌اند که برنامه‌ریز و طراح مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای کاهش تأثیرات مخرب گرم شدن جهانی هستند و افراد را به یقین و قطعیت می‌رسانند. از لحاظ عملیاتی نیز منابع اطلاعاتی نمره‌ای است که پاسخگو در مقیاس ۳ دریافت کرده و هر گویه در قالب طیف لیکرت گنجانده شد. بدین ترتیب، منابع اطلاعاتی بر روی مقیاسی قرار می‌گیرد که حداقل نمره‌ی آن ۳ و حداکثر نمره‌ی آن ۱۵ است. ۴ گویه را برای تعریف عملیاتی این متغیر در نظر گرفته شد. از آنجایی که میزان روایی آن‌ها بر اساس آزمون آلفا کرونباخ ۰/۵۵ بود؛ با حذف معرف (منظور تلویزیونی است که اطلاعات معتبری را درباره‌ی تغییر آب و هوا در اختیار مردم می‌گذارد) میزان روایی آن به ۰/۶۰ افزایش یافت. در نتیجه‌ی این امر، معرف ذکر شده حذف شد (جدول شماره ۴).

۶- یافته‌ها و بحث

الف) ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان: اطلاعات حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع ۲۰۰ پاسخگو، ۸۱ نفر (۵۵/۵ درصد) مرد، ۱۲۸ نفر (۹۴/۱ درصد) در مقطع کارشناسی، ۱۹ نفر (۳۸ درصد) دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی، ۱۱۳ نفر (۸۱/۳ درصد) در شهر ساکن بودند و میانگین درآمد ماهانه خانواده‌شان ۲۰ میلیون ریال بوده است.

ب) میزان حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا: جدول ۱، توزیع فراوانی و آمارهای توصیفی حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا را نشان می‌دهد.

جدول ۱: وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها بر حسب گویه‌های حمایت از سیاست‌های مقابله

(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	گویه
۶/۷	۷/۴	۴۱	۲۵	۲۰	من به اطلاعات عوامل دولتی در خصوص تغییر آب و هوا اعتماد دارم.
۸/۷	۱۸	۳۵	۳۲	۴۵	دولت مردم را برای مقابله با تغییر آب و هوا باید آموزش دهد.
۸/۷	۱۸	۳۵	۲۴	۱۵	اقدامات دولت در امر یارانه حامل‌های انرژی عادلانه بوده است.
۱۴/۶	۱۰/۶	۴۶	۱۶	۱۳	دولت با گروه‌هایی که از پرداخت مالیات بر کربن خود تخطی می‌کنند، برخورد قاطع دارد.
۱/۲	۶/۶	۲۴	۳۴/۴	۳۴	معتقدم باید دولت را در امر مقابله با تغییر آب و هوا حمایت کرد.
۶/۷	۱۱/۴	۲۷/۵	۳۷	۲۷/۵	ایران، منابع مالی لازم برای اجرای سیاست‌های مقابله را ندارد.
۱/۳	۱۳/۳	۲۷	۳۱/۳	۲۷/۳	ما فناوری لازم برای مقابله با تغییر آب و هوا را نداریم.

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

در جدول فوق، اعداد ستون چپ دارای معانی زیر می باشند. (۱) کاملاً موافقم، (۲) تا حدی موافقم، (۳) بی نظر، (۴) تا حدی مخالفم، (۵) کاملاً مخالفم

طبق یافته‌های جدول ۱، گویه «دولت مردم را برای مقابله با تغییر آب و هوا باید آموزش دهد.» با میانگین ۴/۱۷ و انحراف معیار ۰/۸۹ دارای بیشترین اهمیت و گویه «دولت با گروه‌هایی که از پرداخت مالیات بر کربن خود تخطی می‌کنند، برخورد قاطع دارد.» به ترتیب با میانگین ۳/۰۲ و انحراف معیار ۱/۱۷ دارای کمترین اهمیت برای دانشجویان بود. هم‌چنین، سطح حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله دولت، در حد متوسط رو به بالا بوده است (میانگین = ۳/۵۷). (ج) سطح دانش تغییر آب و هوا: جدول ۳، توزیع فراوانی و آمارهای توصیفی سطح دانش تغییر آب و هوا را نشان می‌دهد.

جدول ۲: وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها برحسب گویه‌های دانش تغییر آب و هوا

گویه					
(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۱۲	۳	۳۰	۵۱	۰/۷	لایه اوزون، کره زمین را از اشعه فرابنفش خورشید محافظت می‌کند
۱۸	۷/۳	۳۷	۳۳	-	گاز دی‌اکسید کربن در جو بیشترین سهم را در اثر جهانی گلخانه‌ای دارد.
۱۱/۳	۱۰	۳۰/۵	۴۶	۰/۷	تشدید اثر گلخانه‌ای موجب گرم شدن جهانی می‌شود.
۱۰	۴۲	۳۰	۱۱/۴	۰/۷	آب و هوا در همه‌جا یکسان تغییر می‌کند.
۹/۳	۱۲	۳۷	۳۷	۰/۷	افزایش وقوع سیلاب و خشک‌سالی از پیامدهای گرم شدن زمین است.

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

اعداد ستون سمت چپ در جدول فوق به این صورت معنی می‌یابند. موافقم، (۲) تا حدی موافقم، (۳) مخالفم، (۴) نمی‌دانم، (۵) نظری ندارم

همان‌طور که جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد گویه «لایه ازن، کره‌ی زمین را از اشعه‌ی فرابنفش خورشید محافظت می‌کند» بیشترین مقدار میانگین (۳/۱۶) و گویه‌ی «آب و هوا در همه‌جا یکسان تغییر می‌کند» کمترین مقدار میانگین (۲/۳۶) را داشتند. هم‌چنین بر اساس میانگین دانش تغییر آب و هوا (۲/۸۶) می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان شناخت پایینی از تغییر آب و هوا دارند.

(د) نگرش محیط زیستی: نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که گویه‌های «انسان‌ها جهت بقا، می‌بایست هماهنگ با طبیعت زندگی کنند.» (میانگین = ۴/۱۲)، «دخالت انسان در طبیعت، اغلب نتایج فاجعه باری ایجاد می‌کند.» (میانگین = ۳/۹۷)، «تعادل طبیعت بسیار حساس بوده و به‌سرعت به هم می‌خورد.» (میانگین = ۳/۹۳) دارای بیشترین مقدار میانگین و گویه‌های «انسان‌ها برای حفظ و ادامه بقا نیازی به هماهنگی با طبیعت ندارند.» (میانگین = ۲/۹۴)، «ما آخرین ساکنان زمین هستیم که در مقابل مشکلات محیط زیستی دنیای جدید دوام می‌آوریم» (میانگین = ۳) و «انسان‌ها حق دارند که محیط طبیعی را طبق نیازهای خودشان دست‌کاری کنند.» (میانگین = ۳/۱۴) دارای کمترین مقدار میانگین بودند. به‌طوری کلی، میانگین نگرش محیط زیستی دانشجویان برحسب طیف پارادایم نوین محیط زیستی، ۳/۵۱ است که حاکی از نگرش مثبت دانشجویان نسبت به محیط‌زیست است.

(ذ) اثربخشی شخصی: جدول ۳، توزیع فراوانی و آمارهای توصیفی اثربخشی شخصی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها برحسب گویه‌های اثربخشی شخصی

(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	گویه
-	۴	۲۰/۵	۲۴	۵۲	من آمادگی دارم تا رفتارهایم را به گونه‌ای تغییر دهم که باعث محدود کردن تغییر آب و هوا شود.
-	۲	۲۷	۳۳	۳۸	کارهایی که من برای کاهش اثرات گرم شدن جهانی و تغییر آب و هوا انجام می‌دهم، باعث می‌شود تا دیگران از من الگوبرداری کنند.
۳۰	۱۸/۵	۱۹	۲۶/۵	۶	به نظر من، فعالیت‌های من چندان تأثیری بر روی تغییرات آب و هوا ندارد.
۳۵	۱۱	۱۶	۳۱	۱۷	تغییرات اقلیمی فقط روی دیگر کشورها تأثیر دارد، لذا نیازی نیست که نگران باشم.
۳۳	۳۳	۲۴	۱۷	۳/۳	به نظر من، دولت مسئول اصلی کاهش تغییرات آب و هوایی است.

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

اعداد ستون سمت چپ در جدول فوق به این صورت معنی می‌یابند (۱) کاملاً موافقم، (۲) تا حدی موافقم، (۳) بی‌نظر، (۴) تا حدی مخالفم، (۵) کاملاً مخالفم

یافته‌های جدول فوق حاکی از آن است که گویه « من آمادگی دارم تا رفتارهایم را به گونه‌ای تغییر دهم که باعث محدود کردن تغییر آب و هوا شود».

بیشترین مقدار میانگین (۴/۲) گویه‌ی « به نظر من، فعالیت‌های من چندان تأثیری بر روی تغییرات آب و هوا ندارد» کمترین مقدار میانگین (۳/۳۹) را داشته‌اند. هم‌چنین بر اساس میانگین کل اثربخشی شخصی (۳/۸۳) می‌توان گفت که دانشجویان کارایی و توانایی بالایی را در خود برای مقابله با تغییر آب و هوا احساس می‌کنند.

(ر) منابع اطلاعاتی: جدول شماره ۴، توزیع فراوانی و آمارهای توصیفی منابع اطلاعاتی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها برحسب گویه‌های منابع اطلاعاتی

گویه					
(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
۲	۵/۳	۳۳	۳۶	۲۴	به نظر من، دانشمندان شناخت دقیقی از گرم شدن جهانی و تغییر آب و هوا دارند
۲	۱۲	۳۲/۲	۳۴	۱۸	گروه‌های حامی محیط‌زیست، اطلاعات درستی درباره‌ی تغییرات جوی دارند
۰/۷	۱۰	۲۶	۳۳	۳۱	مطبوعات ملی، باید در امر حمایت از سیاست‌های مقابله، اطلاع‌رسانی داشته باشد.

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

اعداد ستون سمت چپ در جدول فوق به این صورت معنی می‌یابند. (۱) کاملاً موافقم، (۲) تا حدی موافقم، (۳) بی‌نظر، (۴) تا حدی مخالفم، (۵) کاملاً مخالفم

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۴، گویه «مطبوعات ملی، باید در امر حمایت از سیاست‌های مقابله، اطلاع‌رسانی داشته باشد». بیشترین مقدار میانگین (۳/۸۲) و گویهی «گروه‌های حامی محیط‌زیست، اطلاعات درستی درباره‌ی تغییرات جوی دارند» کمترین مقدار میانگین (۳/۵۳) را داشته‌اند. میانگین منابع اطلاعاتی (۳/۶۹) نیز حاکی از آن است که دانشجویان شناخت نسبتاً بالایی از منابع اطلاع دهنده در زمینه‌ی تغییر آب و هوا برخوردار هستند. (ز) مقایسه‌ی حمایت از سیاست‌های مقابله برحسب جنسیت: با استفاده از آزمون تی، میزان حمایت از سیاست‌های مقابله برحسب جنسیت بررسی شد.

جدول ۵- مقایسه‌ی حمایت از سیاست‌های مقابله برحسب جنسیت

متغیر	بالاترین میانگین		آزمون تی	سطح معنی‌داری
	مرد	زن		
سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا	۲۸/۷۱	۲۸/۵۸	۰/۱۸	۰/۸۲

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان دختر و پسر برحسب حمایت از سیاست‌های مقابله وجود ندارد. درواقع، میانگین دو گروه نیز تقریباً یکسان است.

(ز) بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر حمایت از سیاست‌های مقابله: با استفاده از مدل رگرسیون در جدول ۶، تأثیر نگرش محیط‌زیستی، دانش تغییر آب و هوا، منابع اطلاعاتی و اثربخشی شخصی بر حمایت از سیاست‌های مقابله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۶- ضریب رگرسیونی متغیرهای مستقل و حمایت از سیاست‌های مقابله

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	مقدار آزمون F	sig آزمون F	مقدار ثابت
۰/۳۷	۰/۱۱	۵/۲۰	۰/۰۰	۰/۱۴

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی متغیرهای بررسی‌شده برای تبیین حمایت از سیاست‌های مقابله برابر با ۰/۳۷ است. علاوه بر این، ضریب تعیین نشان می‌دهد که نسبتی از واریانس متغیر حمایت از سیاست‌های مقابله (که به‌وسیله متغیرهای پژوهش تبیین شده) نزدیک به ۱۱ درصد است. نسبت F یا آزمون معناداری نیز دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی پژوهش، مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است. به‌عبارت‌دیگر، متغیرهای پژوهش قادرند که تغییرات متغیر وابسته را به میزان نزدیک به ۱۱ درصد توضیح دهند. مقدار ثابت (عرض از مبدأ) نشان می‌دهد که اگر تأثیر متغیرهای مستقل کنترل شود، مقدار پایه‌ی حمایت از سیاست‌های مقابله برابر با ۰/۱۴ است.

جدول زیر، نشان‌دهنده ضرایب تأثیر رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین‌کننده حمایت از سیاست‌های مقابله است.

جدول ۷- ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل و حمایت از سیاست‌های مقابله

متغیرها	ضریب بتا	مقدار تی	سطح معنی‌داری
نگرش محیط زیستی	۰/۳۱	۲/۸۱	۰/۰۰
اثربخشی شخصی	-۰/۱۶	-۱/۸۸	۰/۰۶
دانش تغییر آب و هوا	۰/۱۱	۱/۴۰	۰/۱۶
منابع اطلاعاتی	۰/۰۵	۰/۵۳	۰/۵۹

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون که در جدول ۷ منعکس شده است نشان می‌دهد که نگرش محیط زیستی اولین متغیری بود که وارد مدل شد و بر اساس سطح معنی‌داری آن تنها متغیری بود که با حمایت از سیاست‌های مقابله تأثیر داشت. مقدار ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که این متغیر ۳۷ درصد تغییرات حمایت از سیاست‌های مقابله را تبیین می‌کند.

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها و پس از پذیرش پروتکل کیوتو، سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا را تدوین نموده و انتظار می‌رود این سیاست‌ها مورد حمایت اجتماعی قرار گیرد. هدف از انجام تحقیق حاضر، ارزیابی اجتماعی حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا و رابطه‌ی آن با عوامل اجتماعی مانند نگرش محیط زیستی، دانش تغییر آب و هوا، منابع اطلاعاتی، اثربخشی شخصی بوده است.

امروزه، صاحب‌نظران مطالعات محیط زیستی معتقدند که سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا، تا حدود زیادی به آگاهی و کنش اجتماعی افراد در جامعه وابسته است. بر این اساس، به‌موازات اقدامات فنی و تکنولوژیکی، برخورداری از

حمایت اجتماعی نیز برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا بسیار حائز اهمیتند. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها و پس از پذیرش پروتکل کیوتو، سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا را تدوین نموده و انتظار می‌رود این سیاست‌ها مورد حمایت اجتماعی قرار گیرد. هدف از انجام تحقیق حاضر، ارزیابی اجتماعی حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا و رابطه‌ی آن با عوامل اجتماعی مانند نگرش محیط زیستی، دانش تغییر آب و هوا، منابع اطلاعاتی، اثربخشی شخصی بوده است.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که به‌طور کلی، میزان حمایت دانشجویان از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا در حد متوسط رو به بالا بوده است. هم‌چنین دانشجویان نگرشی مثبت نسبت به محیط‌زیست داشتند و ارزشی بالا برای آن قائل بودند، اما سطح شناخت آن‌ها نسبت به تغییر آب و هوا پایین بود. علاوه بر این، شناخت خوبی از منابع اطلاعاتی تغییر آب و هوا و اطلاع‌رسانی آن‌ها در این زمینه داشته و به لحاظ شخصی، خود را فردی تأثیرگذار در مقابله با اثرات زیان‌بار تغییر آب و هوا در ایران تصور کرده بودند. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که نگرش محیط زیستی، تنها متغیر تأثیرگذار بر حمایت از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا بود. بنابراین به‌غیر از فرضیه‌ی شماره ۲ (نگرش محیط زیستی بر حمایت از سیاست‌های مقابله تأثیر دارد)، بقیه‌ی فرضیه‌های تحقیق مورد تأیید تجربی قرار نگرفتند.

مقایسه‌ی یافته‌های این تحقیق با سایر تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی حمایت بیشتری از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا در مقایسه با بررسی انجام‌شده توسط Clark et al (2009) در دانشگاه رودز آفریقای جنوبی و Buckley et al (2000) در استرالیا داشتند.

Kellstedt et al (2008) معتقدند که میزان درک و شناختی که افراد از مخاطره دارند بر حمایت از سیاست‌های مقابله و مدیریت سیستم‌های مسؤوّل تأثیر دارد. در این بررسی دانش تغییر آب و هوا بر حمایت از سیاست‌های مقابله تأثیر نداشت. این نتیجه با نتایج تحقیق Buckley et al (2000) در استرالیا، Spellman et al (2003) در انگلیس، Clark et al (2009) در آفریقای جنوبی همسویی داشت. هم‌چنین همان‌طور که در مبانی نظری نیز مطرح شد، میزان شناخت و آگاهی افراد از تغییر آب و هوا بیشتر تحت تأثیر منابع اطلاعاتی مانند دولت‌ها، دانشمندان، رسانه‌های جمعی است. در این بررسی میزان حمایت از سیاست‌های مقابله متأثر از منابع اطلاعاتی نبود. در حالی که Spellman et al (2003) در انگلیس، Wachholz et al (2014)، Pazokinejad (2012) در ایران دریافتند که منابع اطلاعاتی در افزایش دانش علمی شهروندان دانشجو نقش دارد. نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورها نیز رابطه نیرومندی با شناخت مخاطرات و سازگاری با آن دارد.

در بررسی‌های انجام‌شده توسط Pazokinejad (2012) و Rideout (2014)، افرادی که نگرش‌های مثبت نسبت به محیط‌زیست داشتند تمایل بیشتری به حمایت از اقدامات داوطلبانه برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای از خود نشان می‌دادند. در بررسی حاضر نیز نگرش محیط زیستی بر حمایت از سیاست‌های مقابله تأثیر داشت. اما برخلاف عواملی که تاکنون بررسی شد، اثربخشی شخصی نیز متغیری بود که تأثیری بر حمایت از سیاست‌های مقابله نداشت. این نتیجه با نتایج حاصل از بررسی‌های انجام‌شده توسط Kellstedt et al (2008) در ایالات متحده و Pazokinejad (2012) در ایران همسویی نداشت، اما با نتایج حاصل از بررسی انجام‌شده توسط Lazaro et al (2010) در پرتغال همسویی داشت. به‌عبارتی دیگر، آن‌ها خود را در کاهش تأثیرات آب و هوا، چندان مسؤوّل نمی‌دانستند. یعنی سطح کارایی شخصی‌شان را

در سطح پایین گزارش کرده و معتقد بودند که دولت، رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی باید نقش پررنگ‌تری در این میان داشته باشند.

تصور ما بر این است که هرگاه فرد در خود احساس کارآمدی در تأثیر می‌کند، شکاف دانش و کنش را متأثر می‌سازد. اثربخش بودن به فرد انگیزه می‌بخشد تا با باور به توانایی‌های خود و ایجاد حس اعتماد به نهادهای دانش، آگاهی خود را افزایش دهد و داوطلبانه و خودخواسته به کنش و کنش جمعی روی آورد. سؤالی که باقی می‌ماند این است چرا در تحقیق حاضر اثربخشی شخصی، دانش تغییر آب و هوا و منابع اطلاعاتی تأثیر نیرومندی بر حمایت از سیاست‌های مقابله به‌عنوان یک رفتار نداشته‌اند؟ می‌توان به این سؤال با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده پاسخ داد. نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده توسط Ajzen (1991) مطرح شد. به‌زعم آجزن، نیت نشانه‌هایی از سختی رضایت برای تلاش مردم - به‌منظور انجام رفتار- است. در اینجا، نیت‌های قوی منعکس‌کننده احتمال بالایی از عملکرد هستند. در اینجا، فرض بر این است که رفتار موردنظر تحت کنترل ارادی، - یعنی انجام آن رفتار تنها وابسته به اراده فرد است - است. در اغلب موارد، عملکرد وابسته به عوامل غیر انگیزشی، مانند فرصت‌ها و منابع (مثلاً زمان، مهارت) است که نشان‌دهنده کنترل واقعی فرد بر رفتار است. بنابراین، موفقیت رفتاری به‌گونه‌ای مشترک، به انگیزه (نیت) و توانایی (کنترل رفتاری) بستگی دارد (Salehi et al, 2012: 88).

Payne (2013: 229) نیز به نقل از Ajzen (1991) معتقد است عوامل مختلفی در شکل‌گیری و بسط نیت انجام رفتار دخیل هستند و باینکه اطلاعات و دانش جز عوامل اولیه هستند، اما فرد باید به نگرش و باورهایش نیز پیش از تعهد رفتاری توجه کند. یکی از باورهای اصلی در این چارچوب، باور به کنترل شدن است که حول محور نظارت رفتاری ادراک‌شده قرار دارد و نقش اساسی در اثربخشی به معنای توانایی ادراک‌شده عملی و اعتماد به انجام موفقیت‌آمیز رفتار دارد. توانایی ادراک‌شده عملی یا همان نظارت رفتاری ادراک‌شده عامل اصلی در خودتنظیمی رفتار و مقاومت در برابر موانع است. توجه به اینکه پیامدهای تغییرات اقلیمی، نوعی تهدید برای زندگی فعلی و نیز زندگی نسل‌های آتی محسوب می‌شود، در مباحث علمی به‌عنوان تهدید زندگی روزمره معرفی می‌شوند. بنابراین، برای مقابله با این پدیده نیاز به فهم و شناخت علمی بیش‌ازپیش احساس می‌شود (Sutton, 2013). وقتی سخن از دانش تغییر آب و هوا به میان می‌آید، نباید تصور کرد که این دانش امری منسجم، یکپارچه و تنها از یک نوع است. دانش تغییر آب و هوا به علل، پیامدها و راه‌حل‌های بالقوه برای مقابله با گرم شدن جهانی و قابلیت مقابله با تغییر آب و هوا در سطح فردی و جمعی راجع است و برحسب فرهنگ، بسترهای اجتماعی درک آن‌ها نیز متفاوت است. دانش را می‌توان نوعی انطباق استراتژی‌ها بر پایه شناخت علمی و به‌تبع آن تجربه عملی در مدیریت منابع که این استراتژی‌ها باید ترکیبی از مقیاس‌ها و ابتکاراتی باشند که معطوف به بهینه‌سازی مصرف منابع و درخواست برای کاربری آن‌ها باشد (Salehi and Pazokinejad, 2014a). هم‌چنین منابع اطلاعاتی نیز نقشی مهم در آگاهی بخشی به مردم دارند (Pazokinejad, 2012; Salehi and Pazokinejad, 2014 b). چگونه می‌توان کیفیت تأثیرگذاری این منابع را در مقابله با بحران‌های محیط زیستی بهبود بخشید؟ (Giddens (2015) معتقد است که باید مسأله تغییرات آب و هوا در صدر برنامه‌های سیاست‌گذاری دولت در ارتباطات قرار گیرد. یکی از ابزارهای مناسب برای به رسمیت شناختن مشکلات وجود و استفاده از منابع اطلاعاتی موثق است. این منابع هم می‌تواند آگاهی‌بخش و هم ترویج‌کننده ارزش‌ها و نگرش محیط زیستی برای درگیر کردن ذهن جامعه برای تغییر شرایط و حمایت جمعی از سیاست‌های مقابله با تغییر آب و هوا باشد.

منابع

Ahadi, M. S. (2011). *Climate change performance indicators 2011*, Environmental Protection Organization, National Climate Change Plan Office. (in Persian).

Buckeley, H. (2000). Common Knowledge? Public understanding of climate change in Newcastle, Australia, *Public Understanding of Science*, 9 : 313 – 333.

Clark, C., Gaisford, J and Jones, M.(2009). *Global Warming: An Assessment of Knowledge, Attitudes and Practices At Rhodes University*, Grahamstwon, South Africa,<http://www.ru.ac.za>.

Giddens, A.(2015). *The Policies of climate change*, Translated by Sadegh salehi, Tehran: Agah publications. (In Persian)

Hanigan, J. (2014). *Environmental Sociology*, Translated by Sadegh Salehi, Tehran: Samt publications. (In Persian)

Imam Gholi, L. (2011). *Investigating social capital on environmental behaviors (case study: Kurdistan province)*, master's thesis, supervisor: Sadegh Salehi, Mazandaran University. (In Persian)

IPCC (2007). *Climate Change 2007: Mitigation of Climate Change, Contribution of Working Group III to the Fourth Assessment Intergovernmental Panel on Climate Change*, Cambridge Press, Cambridge.

Kellstedt, P.M., Zahran, S., and Vedlitz, A. (2008). Personal Efficacy, the Information Environment, and Attitudes Toward Global Warming and Climate Change in the United States, *Risk Analysis*, 28(1): 113-126.

Jones, H. (2007). Engaging student with sustainable issues, *Planet*, 18: 40-44.

Lazaro, A., Cabecinhas,R and Carvalho,A. (2010). Perceptions of Climate Change Risks and Mitigation Behaviors: Understanding Inconsistencies between Representations and Actions, *Journal of Risk Research*, 9 (3): 265-281.

Lynn, P.(2014). *Distinguishing dimensions of pr-environmental behavior*, Report, Institute for social and economic research, University Essex.

Malone, E. (2002).Hot Topics: Globalization and Climate Change, *Social Thought & Research*, 11(5): 142-171.

Nabi Bidhandi, G.R., Mohammad Nejad, S. and Ibaadi, F. (2007). *Concepts and consequences of climate change with a review of Kyoto protocol considerations*, Tehran: Tehran University. (in Persian).

Nigatu, A.S., Asamoah, B., and Kloos, H.(2014). Knowledge and perceptions about the health impact of climate change among health sciences students in Ethiopia: a cross-sectional study, *BMC Public Health*, 14, DOI: 10.1186/1471-2458-14-587.

Pazukinejad, Z. (2012). *Investigating social factors affecting students' understanding of global climate change*, master's thesis, supervisor: Sadegh Salehi, Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University. (In Persian).

- Payne, K. (2013). The effects of self-efficacy on pro-environmental intentions, *The Plymouth Student Scientist*, 6(1): 224-238.
- Reser, J., and Swim, J. (2010). *Adapting to and Coping With the Treat and Impacts of Climate Change*, from www98.griffith.edu.au.
- Rieckmann, M. (2012). Future-oriented higher education: Which key competencies should be fostered through university teaching and learning? *Futures*, 44(2): 127-135.
- Roninson, J., Berkhout, T and Campbell, A. (2011). *The universities as an agent of change for sustainability*, from www.horizons.gc.ca, (26/Agu, 2023): 1-6.
- Rideout, B. E. (2014). The liberal arts and environmental awareness: Exploring endorsement of an environmental worldview in college students, *International Journal of Environmental & science Education*, 9(2014): 59-76.
- Salehi, S. (2010). *A new attitude towards the environment and energy consumption, the quarterly journal of the Iranian Association for Cultural Studies*, Communication, 6th year, number 20: 196-216. (In Persian).
- Salehi, S; Mahmoudi, H; Dibai, N and Karimzadeh, S. (2012). An analysis of the relationship between new environmental attitudes and household energy consumption, *Journal of Environmental Sciences*, 9(9): 117-122. (In Persian).
- Salehi, S; Khoshfar, G., and Hemti Goimi, Z. (2012). *Investigating women's attitude towards household waste recycling in Mazandaran*, research project, Mazandaran University. (In Persian).
- Salehi, S. and Pazukinejad, Z. (2013). An analysis of students' theoretical and practical knowledge and social factors affecting it, *Journal of Geography and Planning*, 19(54): 171-184. (In Persian).
- Salehi, S. and Pazukinejad, Z. (2012). Examining the environmental attitude of students of higher education centers in Mazandaran province, *the third international conference on environmental management and planning*, Faculty of Environment, University of Tehran, February 2012. (In Persian).
- Salehi, S. and Pazukinejad, Z. (2014a). Social assessment of non-meteorological students' knowledge of climate change, *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 14(33): 171-194. (In Persian).
- Salehi, S. and Pazukinejad, Z. (2014b). Analysis of social factors affecting students' environmental attitudes and performance, *Applied Sociology*, 25(3): 88-76. (In Persian).
- Spellman, G., Field, K., and Sinclair, J. (2003). Assessing UK higher education students' awareness of global climatic change, *Weather*, 58(10): 212-219.
- Sutton, P. W. (2012). *An introduction to environmental sociology*, translated by Sadegh Salehi, Tehran: Samt Publications (In Persian).
- Urry, J. (2011). *Society and climate change*, London: Polity Press.
- Wachholz, S, Artz, N., and Chene, D. (2014). Warming to the idea: university students' knowledge and attitudes about climate change, *International Journal of Sustainability in Higher Education*, 15 (2): 128-141.

The Social Analysis of Students' Support of Tackling Policies with Climate Change

Zahra Pazokinejad¹

Receive: 2023/01/01 Accept: 2024/04/04

Abstract

Climate change is as a complex risk and depends on social presentation and attitude. Therefore, it can be defined as a social phenomenon (Reser & Swin, 2010). Social sciences focus on human change and welfare and study problems such as vulnerability, adaptation, and sustainable development. People in a society discuss climate change and are aware of what they face around themselves. The purpose of present study is to analyze students' support of policies tackling with climate change and influencing social factors.

The present research used a survey method. 200 students from University of Mazandaran were selected randomly and responded to a questionnaire. Data gathered through a questionnaire were analyzed through SPSS software analyzed.

According to research findings, students; support of policies tackling with climate change was positive. Also, students have positive attitudes toward the environment but the level of their knowledge toward climate change was low. Moreover, they have good knowledge of information resources of climate change. Regression analysis also shows that personal efficiency has had great effect on supporting of policies tackling with climate change. The importance of personal efficiency was explained using programmed behavior theory arguing that various factors are involved in the formation and elaboration of good behavior. However, information and knowledge include primary factors. The various types of research show that university students are interested in collective activities to protect the environment.

Keywords:

Climate change, Tackling policies, Students, Mazandaran University.

¹ Postdoc Researcher and Member of Research Group of Development and Environment of Mazandaran University, Department of Development Sociology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding author: zahrapazoki1464@gmail.com)